

## اسلام و تعدد همسر

در شماره های گذشته گفتیم که مسأله « تعدد همسر » يك امر فطری بوده اباحه آن منحصر باسلام نیست بلکه در ملل و ادیان گذشته نیز سابقه داشته است و اعتراف بعضی از بزرگان و دانشمندان بنام اروپا و آمریکا را در خصوص ضرورت این قانون مهم اجتماعی از نظر خوانندگان گذرانیدیم اینک بررسی اصل تشریح آن در اسلام می پردازیم :

در قرآن مجید در سوره نسا دو آیه در مورد اباحه تعدد همسر ، وارد شده است یکی آیه : « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانكحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الاتعولوا » (۱) یعنی « اگر شما می ترسید که در مورد یتام و اموال آنها عدالت را مراعات نکنید ( و از این جهت مایل بازدواج با آنها نمی باشید ) پس ازدواج کنید با زنان دیگر بمقدار میل و علاقه خود دو یاسه یا چهار و اگر می ترسید بین همسر اتان نتوانید عدالت را مراعات کنید اکتفا بیک همسر کنید ، این مناسبتر است که ستم روا ندارید » .

اهمیت این آیه وقتی بیشتر روشن می شود که نظری اجمالاً بشان نزول آن بیانداریم :

مفسرین در شان نزول این آیه چنین نوشته اند که قبل از نزول این آیه در میان جامعه حجاز در زمان جاهلیت دختر های یتیم خیلی زیاد بودند زیرا در اثر وقوع جنگ و تراع و قتل و غارت در آن زمان ، بسیاری از مردان از بین می رفتند و از خود چند فرزند یتیم بجای می گذاردند و در نتیجه یتیموت و سرپرستی آنان را يك عده از پولداران و اقویاء آن عصر بعهده می گرفتند و چه بسا بحقوق مالی آنان تجاوز می کردند بلکه آنان را بازدواج خود در می آوردند بدون اینکه اکتفا بتعداد معینی بنمایند و عدالت را در حق آنان و اموالشان مراعات کنند و این روش چون ظلم و ستم آشکارا بایتم بود ، اسلام بشدت با این روش ظالمانه نسبت بایتم مخالفت نمود و طی آیاتی چند « مثل الذین با کلون اموال الیتامی ظلما انما یا کلون فی بطونهمنا را » (۲) و غیر آن از این عمل غیر عادلانه جدا منع نمود .

بدنبال نزول این آیه که نهی شدید از تجاوز بایتام می نمود ترس فوق العاده‌ای دامنگیر مسلمانها شد بطوریکه از ایتام جدا اعراض نموده و حتی آنان را از منزل های خود خارج می ساختند تا گرفتار تجاوز حقوق آنان نگردند . و این کار بجائی رسید که اگر یتیمی در منزل شخصی سکونت داشت طعام او را از دیگران جدا می ساختند و بیزادی غذا و طعام او هرگز تردید نمی شدند ، و می ماند و فاسد می شد و از بین می رفت و حتی از ازدواج با آنها روی گردان شدند .

این عمل علاوه بر اینکه بصلاح ایتام نبوده کوچکترین تماس با منافع و مصالح آنها نداشت بلکه موجب ناراحتی مسلمانهایی که سرپرستی یتیم ها را بهمهده داشتند گردید . ناچار مشکل کار را پیش رسول اکرم (ص) عرضه داشتند . و طریق حل آنرا از آنحضرت خواستار شدند تا اینکه آیه زیر نازل گردید : « یسألونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر وان تخالطوهم فإخوانکم واللہ یعلم المفسد من المصلح » (۱) یعنی « از تو (ای پیامبر در مورد معاشرت ) با یتیمان می پرسند بگو : اصلاح کارشان نیکو است ، اگر با آنان معاشرت کنید برادران شمایند و خداوند مفسد را از مصلح می شناسد . »

این آیه مسلمانها را تشویق و ترغیب نمود که با یتیم ها معاشرت و مرادوده داشته باشند بشرط اینکه نظر اصلاحی درباره امور آنها داشته ، اموال آنان را حیف و میل ننمایند . مطالعه شأن نزول آیات بالا و آیه « وان خفتم ان لاتنسطوا فی الیتامی » این حقیقت را ثابت می کند که قرآن بمسلمانها دستور می دهد که در حفظ حقوق ایتام بکوشند و در اموال آنان تجاوز روا ندارند و نباید اموال آنان را با اموال خود مخلوط کنند و بدین طریق حیف و میل نمایند و ضمناً برای تسهیل کار بر مسلمانها دستور می دهد که اگر علاقه ای بازدواج با ایتام ندارند زنان دیگر را که مورد علاقه آنان هست انتخاب کنند و از دو یا سه یا چهار همسر تجاوز نکنند و ناچار نیستند که حتماً ایتام را برای خود همسر انتخاب کنند و در نتیجه عدالت را درباره آنان مراعات نمایند .

آیه دیگری در سوره نساء آیه ( ۱۲۹ ) در این مورد ذکر شده است : ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً « یعنی شما هرگز نمی توانید ( در علاقه قلبی و محبت ) ، عدالت را در میان همسرانتان رعایت کنید ( زیرا این موضوع گرچه از اختیار شما بیرون است ) ولی ( عملاً ) نباید یکی را برد دیگری مقدم داشته و دیگری را ، هم چون یک زن مطلقه و بلا تکلیف قرار دهید و اگر اصلاح کنید و صلاح را پیش بگیرید و تقوی را پیشه خود سازید خدا آمرزنده و مهربان است . »

### شرط عدالت

اسلام مطابق این دو آیه که مکمل هم دیگر می‌باشند دو مسأله اساسی را در اباحه تعدد همسر، معتبر دانسته است یکی اینکه برای تعدد همسر حدی معین کرده است تا بدین وسیله جواب گوی کمبود تعداد مرد در جوامع بشری و هم چنین جواب گوی نیروی جنسی مرد در موارد ضروری بوده از هوسرانی آزاد و بی حد و حصر مردان منع نموده و از انحراف و گرایش بسوی فساد ناشی از طغیان غریزه جنسی جلوگیری کند.

دیگر اینکه مراعات عدالت را در مورد روابط زناشویی و هزینه‌های زندگی و مسأله مسکن و حسن معاشرت و قیام بحقوق واجب را در میان همسران امری لازم دانسته است و از ظلم و ستم و علاقه‌بری از آنان و عدم علاقه‌بری دیگر منع نموده است تا حقوق تمام همسران محفوظ بوده، بتوانند در کمال خوشی و راحتی بزندگی خود ادامه داده از هرگونه انحراف و ارتکاب گناه بدور باشند.

### استنباط نابجا!

برخی از مخالفین این قانون با این آیات خواستند استدلال کنند که این آیات دلالت بر منع تعدد همسر میکنند باین بیان که: عدالت بمقتضای آیه اول شرط اباحه تعدد همسر، قرار داده شده و بموجب آیه دوم نیز عدالت غیر ممکن اعلام شده است نتیجه این دو جمله این می‌شود که تعدد همسر مباح نیست.

بعضی از خوانندگان نیز در ضمن نامه‌ایکه اخیراً نوشته‌اند برای دفاع از منع تعدد همسر، باین استدلال اشاره کرده بودند و ما وعده دادیم که جواب آن را برای اطلاع سایر خوانندگان نیز در مجله منعکس کنیم:

از مطالعه دقیق در این دو آیه و سبب نزول آیه دوم ( ولن تستطیعوا ... ) جواب این استنباط نابجا بخوبی روشن می‌شود که بعد از نزول آیه اول ( فان خفتن الا تعدلوا ... ) « ترسی بس عمیق بر مسلمانها مستولی گشت زیرا از این آیه اینطور استنباط کردند که عدالت بین همسران بطور مطلق در هر مورد بین همسران امری لازم و واجب می‌باشد و بدیهی است که این امر بر مسلمانها بسیار گران و پر مسئولیت جلوه گر شده، موجب اضطراب و نگرانی عمیق گردید زیرا عدالت در هر جهت حتی در میزان علاقه و محبت قلبی یک‌امر غیر اختیاری بوده، مراعات آن در میان همسران امری بس مشکل بلکه محال می‌باشد

خداوند برای حل این مشکل آیه ( لن تستطیعوا ... ) را بر پیامبر گرامی اسلام نازل کرد.

این آیه ضمن اعتراف باینکه عدالت از هر لحاظ، امری غیر مقدور می‌باشد با کمال صراحت بیان می‌کند که مساوات بین همسران در مورد محبت و میزان علاقه

قلبی در مراعات عدالت معتبر نیست و لکن این محبت و علاقه بیرخی از همسران نباید عملاً طوری باشد که بحقوق اخلاقی و شرعی آنان تجاوز نموده، آنان را بلامتکلیف بگذارند. چنانکه خوانندگان ملاحظه می‌کنند آیه ( لَنْ تَسْتَطِيعُوا ... ) هرگز در مقام بیان این نیست که عدالت بطور مطلق غیر ممکن است بلکه در مقام بیان این نکته است که مراعات عدالت در علاقه و محبت قلبی بین همسران معتبر نیست.

کسانیکه باین آیه استدلال بر عدم جواز تعدد همسر، کرده‌اند گویا از ذیل این آیه کاملاً غفایت کرده‌اند و یا عمداً خود را به بی‌اطلاعی زده‌اند زیرا جمله « فَلَائِمِلِوَاكُلِ الْمَيْلِ » صریحاً می‌گوید که تعدد همسر جایز است بشرط اینکه در محبت بیکی از همسران افراط نکرده و عملاً حقوق دیگران را ضایع ننمایند.

بدیهی است که اگر تعدد همسر ممنوع بود این جمله ابدأً مفهومی نداشت. حال ممکن است این سؤال در ذهن بعضی از خوانندگان خطور کند که این آیات چگونه حقوق حقه زن را مراعات کرده است؟ آیا عدم قدرت مرد بمراعات عدالت در میزان محبت و علاقه بین همسران، می‌تواند بمنزله تضييع حقوق حقه زن بشمار آید؟ و آیا به تنهایی کافیت از این قانون مهم اجتماعی چشم‌پوشیم یا نه؟ تفصیل این مطالب را در شماره آینده مطالعه فرمائید.

### همه شما از او بهترید!

عن ابن عباس قال قدم علی النبی قوم فقالوا ان فلاناً صائم الدهر قائم اللیل کثیر الذکر ، فقال النبی ایکم یکفیه طعامه و شرابه ؟ فقالوا : کلنا قال : فکلکم خیر منه .

ابن عباس می‌گوید : عددی بر پیامبر وارد شدند ، سخن از کسی بمیان آمد گفتند : یا رسول‌الله (ص) او همیشه روزها را روزه دارد و شبها را بنماز و قیام می‌گذراند و بسیار ذکر خدا می‌گوید .

رسول‌خدا(ص) فرمود : در اینصورت زندگی او از کجا تامین می‌شود؟ و چه کسی مخارج او را می‌دهد؟ گفتند : یا رسول‌الله (ص) او بواسطه اشتغال بعبادت نمی‌تواند کار کند ، ما مخارج او را متحمل می‌شویم تا او آسوده بعبادت پروردگار مشغول باشد .

پیامبر فرمودند : بنابراین همه شما از او بهترید !!

(کشکول شیخ بهائی)